

سازگار کردن طراحی خانه‌های مسکونی تبریز و باکو با فرهنگ و اقلیم بومی*

جواد عبدالحسینی**

چکیده

این مقاله با هدف بررسی دگرگونی‌ها و تحولات ساختار ساختمان‌های مسکونی شهر با تأثیرپذیری از فرهنگ و اقلیم بومی در محدوده مطالعاتی مورد انتخابی تدوین شده است. از آنجایی که طراحی خانه‌های مسکونی از عوامل مختلفی چون فرهنگ و اقلیم منطقه تأثیر می‌پذیرد؛ تشریح طراحی ساختمان‌های مسکونی جدید متناسب با فرهنگ و اقلیم در یک نگاه گذرا و در حد یک درآمد کوتاه امکان‌پذیر نیست، لذا توجه اصلی نوشته، به تأثیرپذیری این خانه‌ها از فرهنگ و اقلیم مقایسه با خانه‌های مورد مطالعه در سده گذشته معطوف شده است.

۱۳/۷۴

در فرایند گذار از خانه‌های تاریخی به خانه‌های معاصر، باید ببینیم که خانه‌های تاریخی چه ارزش‌هایی را از دست داده و چه نیروهای دیگری به غیر از دانش بومی، طبیعت‌گرایی و صرفه‌جویی در انرژی، بر شکل‌گیری خانه‌های معاصر تأثیر گذاشته است. همچنین باید نیازهای فرهنگی-اجتماعی ساکنان شهرهای تاریخی را مشخص کنیم که البته این کار خود مستلزم بررسی‌های لازم در زمینه روش‌های پیشرفته طراحی و تحلیل علمی صحیح خواهد بود.

دگرگونی‌هایی که در حین اجرای تغییرات و نوسازی در شهرهای تاریخی ایران و آذربایجان بوجود آمده، سبب تغییر فرم و سازه ساختمان‌های مسکونی شده است. در نتیجه لازم است که بعضی از قانونمندی‌های روش‌های طراحی متناسب با عامل تأثیرگذار فرهنگ و اقلیم در ساختمان‌های مسکونی جدید شهرهای تبریز و باکو مشخص و با در نظر گرفتن امکانات تکنولوژی جدید و ویژگی‌های معماری سنتی مدل‌های طراحی جدیدی پیشنهاد شود. پیشنهاد طرح‌هایی موافق با خواسته‌های فرهنگی-اجتماعی ساکنین و در نظر گرفتن فرآیند تأثیر اقلیم منطقه بر معماری خانه‌ها از اهمیت بارزی برخوردار است.

طراحی ساختمان‌های مسکونی، هنگامی مقبولیت و معقولیت خود را تثبیت می‌کند که از معیارهایی برخاسته از توان سرزمین و نیاز جامعه شکل بگیرد و با گذشت زمان، همچنان توان پاسخگویی خود را حفظ کند.

واژگان کلیدی

خانه‌های تاریخی، مسکن معاصر، هویت معماری، فرهنگ، اقلیم.

*. این مقاله برگرفته از پایان نامه دکتری معماری نویسنده با عنوان: «همگون سازی ساختمان‌های مسکونی جدید متناسب با بافت تاریخی شهرها در کشورهای مسلمان نشین (در آینه جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان)» است که به راهنمایی پروفیسور جعفر قیاسی در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه معماری و ساختمان باکو در کشور در اردیبهشت ۱۳۸۷ انجام شده است.

** دکتری معماری، مدرس دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران : ۰۹۳۵۹۶۸۲۵۱

javad_abdolhoseyni@yahoo.com

مقدمه

تا به امروز در تحقیقات‌های به‌عمل آمده، مشکل طراحی ساختمان‌های مسکونی جدید متناسب با نیازهای فرهنگی - اجتماعی جامعه و شرایط فضایی شهرهای تاریخی، خواسته‌های رفاهی ساکنین و نقش اقلیم به عنوان یک مسئله مهم روز در چارچوب یک موضوع علمی، آن چنان مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته است. به عبارت دیگر، مسکن به عنوان پدیده‌ای ساده و در عین حال پیچیده و فضای فیزیکی، فرهنگی، اجتماعی، دفاعی و غیره؛ یعنی پدیده‌ای چند ساحتی و یا بهتر، به مثابه موجودی زنده کمتر مورد بررسی دقیق و کالبدشکافی قرار گرفته است.

هدف اصلی از بررسی ساختمان‌های مسکونی شهرهای تبریز و باکو، مشخص ساختن تأثیرات عواملی چون: فرهنگ، دین مشترک و اقلیم موجود بین آنها است که در فرم‌پذیری بناهای مسکونی و صنعت ساختمان‌سازی منطقه نقش داشته است که با اتخاذ این موارد، بایستی شرایطی خاص برای طراحی خانه‌های معاصر تعیین شود. در تحلیل فضای داخلی آپارتمان‌های مسکونی و تأمل در آنها بایستی روش‌هایی برای طراحی جدید مشخص شود و تعیین توصیه‌های علمی - تجربی ضروری به‌شمار می‌رود.

واقعیت آشکار و هدف هر بررسی تاریخی این است که گذشته آموزنده و شناخت آموزه‌های آن بسیار اساسی است و امروز و فردای هر جامعه در گذشته تاریخی آن نهفته است. مطالعه گذشته نه تنها دارای ارزش فلسفی است؛ بلکه بررسی آن از جمله باعث کشف پیچیدگی‌ها و پوشیدگی‌های تفکر، جریان‌های اجتماعی و فرهنگی انسان‌ها و تفکرات و اعمال و باورهایشان می‌شود. همچنین تاریخ، امکان شناسایی عناصر پایدار از عناصر ناپایدار را ممکن می‌سازد. برای بی‌اثر کردن جنبه‌های بسیار بی‌ارزش و محقرانه زندگی در زمان حال، یعنی نوعی پیش‌درآمد پایدار برای گریز از روش و تفکر غیرعقلایی در آینده، نیازمند بُعد و یا ساحت غنی زمان هستیم.

پرسش‌های تحقیق

۱. فرآیند تکامل ساختار معماری خانه‌های تاریخی شهرهای تبریز و باکو با تأثیرپذیری از عوامل فرهنگ و اقلیم بومی چگونه بوده است؟
۲. ویژگی‌های الگوی فضایی در خانه‌های شهرهای تاریخی تبریز و باکو چه بوده است؟
۳. فرآیند طراحی خانه‌های معاصر شهرهای تبریز و باکو در صورت تأثیرپذیری از الگوی فضایی خانه‌های تاریخی چگونه خواهد بود؟

محیط زیست و در متن آن مسکن و ساختمان از ابداعات و دست‌ساخته‌های بدیع و همیشگی انسان در هر فرهنگ و تمدن بوده و هنوز از تازگی، شگرفی، مطلوبیت و پیچیدگی در تمام ابعاد برخوردار است. با آغاز قرن هفتم میلادی و نفوذ اسلام در منطقه، تغییرات مهمی در روند معماری و صنعت شهرسازی رخ داده و با ماهیت عمیق فلسفی خود، یک سری نوآوری‌هایی را در زندگی اجتماعی شهرها به ارمغان آورده است؛ به این ترتیب که، این سرآغازی در سیستم تقسیم محله‌ای (کوچه‌بندی)، ساخت اماکن دینی و عمارت‌ها بوده و ساختار شهری را در مقیاسی وسیع، متحول ساخته است.

فرهنگ اسلامی، تأثیر خود را بر معماری دینی و اجتماعی نشان داده و در شکل‌گیری محیط مسکونی و فضابندی خانه‌ها، بی‌تأثیر نبوده است. سازمان فضایی خانه^۱ تاریخی، در درون خود ضمن حفظ مقادیر متنابهی از دانش معماری پیش از اسلام، موجب تکامل دانش سازمان‌یابی فضا در دوران پس از اسلام، نیز شده است. حال چنین سؤالی مطرح می‌شود که چه نیروهایی بر شکل‌گیری خانه‌های تاریخی و سپس خانه‌های معاصر، تأثیر داشته است؟

در اینجا بایستی نیازهای فرهنگی - اجتماعی و نقش اقلیم منطقه در شکل‌گیری خانه‌های تاریخی^۲ شهرهای تبریز و باکو را مشخص کنیم تا با بررسی‌های لازم در زمینه روش‌های پیشرفته معماری از طریق تحلیل علمی صحیح، طراحی لازم صورت پذیرد. با رویکرد باز سؤالاتی مطرح می‌شود که: آیا برنامه‌های طراحی شده ما به هنگام خانه‌سازی با نیازهای مردم و ساکنان منطبق بوده است؟ و اینکه آیا امروزه به تکامل ساختمان‌های مسکونی معاصر در شهرهای مسلمان‌نشین با در نظر گرفتن سنت‌های معماری اسلامی نیاز هست یا نه؟

مسکن و فضا به دفعات متعدّد، مورد توجه متخصصین مختلف (معمار، شهرساز، جامعه‌شناس، اقتصاددان، روان‌شناس، ادیب و ...) قرار گرفته است. علاوه بر این مطلب که حتی ساختمان‌های مسکونی تازه‌ساخت پاسخگوی کامل طرز زندگی سنتی ساکنان نیست و کالبد و ساختار مسکن کامل را نداشته‌اند، این سؤال کلیدی مطرح می‌شود که آیا خانه‌های امروزی، برای زندگی معاصر مناسب هست یا نه؟ شکل خانه‌ها نیز تنها نتیجه نیروهای فیزیکی یا هر عاملی سببی دیگر نبوده؛ بلکه حاصل مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی - فرهنگی در وسیع‌ترین شکل آن است. شکل خانه نیز بنا به شرایط اقلیمی (محیط فیزیکی که بعضی از چیزها را تسهیل و بعضی را غیرممکن می‌سازد) و روش‌ها یا شیوه‌های ساختمانی و مصالح قابل دسترس و تکنولوژی (ابزار لازم برای ایجاد محیط مطلوب) تغییر می‌کند.

در نتیجه نیروهای فرهنگی - اجتماعی و شرایط موجود اقلیمی، نیروهای اولیه یا اصلی و دیگر نیروها، نیروهای ثانوی یا تغییردهنده است.

شرایط فضایی شهرهای تاریخی، خواسته‌های رفاهی ساکنین و نقش اقلیم به عنوان یک مسئله مهم روز در چارچوب یک موضوع علمی،



تصویر ۱. شکل پذیری شهر تبریز. مأخذ: نقشه تبریز پروفیسور قیاسی، فصلنامه اثر ۳۱-۳۲: ۱۹.

Fig1. The shapeability of Tabriz.
 Source: the map of Tabriz, Professor Ghiyasi, Journal of Asar, 31-32:19.



تصویر ۲. شکل پذیری شهر باکو، طراح: خ - تروزسون، سال ۱۷۹۰ م. مأخذ: پروفیسور قیاسی، ۱۹۸۸ م.

Fig2. The shapeability of Baku. From: Kh, Trauzson. 1790.
 Source: Professor Ghiyasi. 1988.

اهمیت تجربی تحقیق

دگرگونی‌هایی که در حین اجرای تغییرات و نوسازی در شهرهای تاریخی ایران و آذربایجان به وجود آمده، سبب تغییر فرم و سازه ساختمان‌های مسکونی شده است. پیشنهاد طرح‌هایی موافق با خواسته‌های فرهنگی - اجتماعی ساکنین و در نظر گرفتن فرآیند تأثیر اقلیم منطقه بر معماری خانه‌ها از اهمیت بارزی برخوردار است. از این رو در تحقیق موجود، تجربه‌های به دست آمده جهت به کارگیری معماری صحیح علمی، که حاصل تهیه و بررسی پلان‌های موجود و پرسشگری از ساکنین خانه‌های تاریخی و واحدهای مسکونی معاصر بوده و تئوری‌های پایه‌ای معماری به عنوان پیشنهادی برای طراحی بناهای مسکونی شهرهای تبریز و باکو ارائه می‌شود.

تأثیر فرهنگ در شکل‌پذیری خانه‌های تاریخی تبریز و باکو

مسکن نهادی است که در راستای یک رشته مقاصد پیچیده به وجود آمده و صرفاً یک ساختار نیست. از آنجایی که ساختن یک مسکن، پدیده‌ای فرهنگی است، شکل مسکن و سازمان و نظم فضایی آن، شدیداً متأثر از محیطی فرهنگی است که مسکن به آن تعلق دارد. هدف و نقش مسکن، ایجاد یک واحد اجتماعی فضایی است. خصوصیات ویژه یک فرهنگ - یعنی روش مورد قبول آن فرهنگ که براساس آن به انجام امور پرداخته می‌شود و از آنچه که از نظر اجتماعی پذیرفته شده نیست، پرهیز می‌شود و همچنین آرمان‌های ضمنی، باید مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا این عوامل بر شکل خانه و مجتمع‌ها تأثیر می‌گذارد. این توجه یا دقت نظر شامل تفاوت‌های بسیار ظریف و وجوه کاملاً مشهود یا کلاً کاربردی آن فرهنگ نیز می‌شود. چیزهایی که در یک فرهنگ، دارای معنا و مفهوم است غالباً آنهایی هستند که فرهنگ فوق با ممنوع کردن صریح یا ضمنی آنها، انجام یا پرداختن به آنها را غیرممکن می‌کند. پس مسکن نه تنها پدیده‌ای است فرهنگی، بلکه فضایی است که عامل فرهنگ در ایجاد و شکل دادن به آن تأثیر دارد. از میان عوامل مختلفی که هر یک به طریقی در چگونگی شکل دادن به آن نقش دارد، بعضی از عوامل دارای تأثیر شاخص تری هست؛ به این دلیل گفته می‌شود که دو گروه عامل در تعیین شکل مسکن مؤثر است: عوامل تعیین کننده و عوامل تأثیرگذار [راپاپورت، ۱۹۲۹: ۴۵].

طی بررسی‌های انجام شده و با پرسشگری از ساکنین خانه‌های تاریخی و معاصر مشخص می‌شود که امروزه عامل فرهنگ بایستی هم‌تراز عامل اقلیم بررسی شود. عامل فرهنگ یکی از عوامل تأثیرگذار بر شکل بنا است، به عبارتی عامل فرهنگی با تمام پیچیدگی و ظرافت خود هم راستای عوامل دیگر، شکل بنا را تعیین می‌کند.

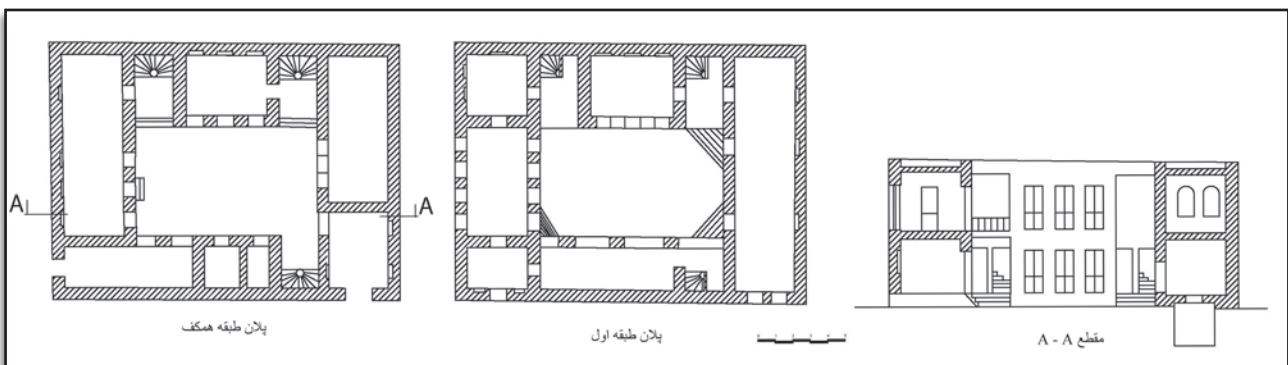
با بررسی طرح‌های ساده اولیه شهرهای مورد مطالعه (تبریز و باکو) این دوره (۱۳۰۰ شمسی به بعد) و با بررسی انواع خانه‌ها در درون محدوده‌ای معین از این شهرها در خواهیم یافت که شکل‌گیری خانه‌ها هم سوی عامل تعیین کننده اقلیم و شاید هم بیشتر به عامل فرهنگ بستگی دارد (تصاویر ۱ و ۲).

معنا می‌شناسیم، زیاد تغییر کرده باشد؛ زیرا در حقیقت در مقایسه زبان و دیدگاه انسان با زبان و دیدگاه تکنولوژیک این گونه شکل‌ها، می‌تواند غالباً اشکال برتر باشد [همان: ۱۲۶].

بخشی از ساکنین منطقه مورد مطالعه به امر پیروی و تقلید و متمایز کردن خود از دیگران و نوعی پیروی آگاهانه، دست به انتخاب زده و بسیاری دیگر ناآگاهانه چنین انتخابی را کرده‌اند که با باور تمایز فرهنگی خویش و اعتقاد به یک فرهنگ دیگر که والاتر است (جهان‌بینی که ساکنین این خانه‌ها از فرهنگ دارند) و عادت به نوعی دیگر از زندگی و در نتیجه فضا، اقدام به تولید فضای مناسب خود کرده‌اند. اصولاً الگوی مسکونی ما با شمار زیادی از الگوی مسکونی سنتی بسیار فاصله دارد. نه تنها فضای مسکونی ما تغییر کرده؛ بلکه ابزار زندگی ما نیز دچار تغییر و دگرگونی اساسی شده است. در گذشته‌های نه‌چندان دور، از میل و صندلی و کاناپه و غیره در مسکن تبریز و باکو چندان اثری نبود. امروزه آشپزخانه این در تبریز و باکو و حتی روستاهای تبریز خواهان زیادی دارد، هرچند با نوع غذا پختن و وسایل آشپزی و نوع غذای ما ناسازگاری زیادی دارد. تقلید آگاهانه، ناآگاهانه و خود را متمایز کردن، حتی گاهی به گمان اینکه داشتن فضا و روش باعث تغییر موقعیت اجتماعی فرد می‌شود، در این انتخاب‌ها مؤثر است. این جریان در روستاها و شهرهای کوچک نیز بسیار رواج یافته است که آن را نوعی تجدد می‌انگارند. جریان غالب معماری بساز و بفروشی در این دو شهر گواه این مسئله است. این در حالی است که خانه‌های حیاطدار محلی (معماری بومی) به مراتب برای فرهنگ و شرایط اقلیمی منطقه مناسب‌تر و با آن هماهنگی بیشتری داشته و در نتیجه راحت‌تر است یکی از دلایلی که اهالی منطقه مورد مطالعه (تبریز و باکو) نمی‌توانند از آپارتمان استفاده کنند این است که الگوی مسکونی سنتی و ترتیب قرارگیری اتاق‌ها و ابعاد آنها با نوع زندگی و فرهنگ آنان مطابقت نمی‌کند. از سوی دیگر، هنگامی که اهالی بومی از بناهای ساخته شده با الگوی معماری سوسیالیستی در باکو و غربی در تبریز استفاده کرده‌اند، نه تنها به دلیل محافظت از خود در برابر تابش آفتاب بلکه برای ایجاد حریمت بیشتر ناچار به بستن بازشوهای خانه‌های ساخته شده ناسازگار با معماری و فرهنگ منطقه شده‌اند. ساکنان خانه‌های تاریخی این شهرها در طی زمان‌های مختلف، فرم و شکلی متناسب با فرهنگ و نحوه زندگی خود جستجو کرده و سعی به

نیاز و یا خواسته حریمت می‌تواند به صورت فضاهای مرتبط، پیوسته به محدوده و یا قلمروهای مجزا از یکدیگر نشان داده شود. بناها مطابق سنت و عرف، حول فضای داخلی شکل گرفته و یا اصطلاحاً درون‌گرا هست و به نظر می‌رسد که این حالت، بیشتر حاصل تأثیر اقلیم، موقعیت و منطقه نیست؛ بلکه حاصل عواملی اجتماعی و فرهنگی است که هم در شهر و هم در روستا می‌توان به چنین نمونه‌هایی برخورد کرد [راپاپورت، ۱۹۲۹: ۱۰۹]. این ترکیب و ساختار که در تبریز، باکو و نقاط مشابه وجود دارد، باعث نوعی جدایی قلمروها می‌شود؛ در نتیجه زندگی داخلی و خصوصی از کوچه و همسایگان جدا می‌شود. به همین ترتیب مفهوم حریمت همیشه بیشتر یا کاملاً به وسیله فرهنگ تعیین می‌شود و اثر زیادی بر شکل خانه دارد (تصویر ۳).

خانه را نمی‌توان جدا از مجتمع یا بستر آن مورد توجه و مطالعه قرار داد و باید بخشی از کل نظام اجتماعی و نظام فضایی شهر شامل خانه و شیوه زندگی، مجتمع زیستی و حتی منظر را نیز بررسی کرد. انسان در مجموعه‌ای زندگی می‌کند که خانه یکی از عناصر آن است؛ در نتیجه طریق استفاده کردن انسان از مجموعه، شکل و ساختار خانه را تغییر می‌دهد. در گذشته محل دیدار و برخورد دوستان در فضای خانه اتفاق می‌افتاد، بنابراین فضای خانه‌های سنتی باید به این نیاز پاسخ می‌داد. اما در مسکن معاصر بخشی از مجموعه مانند کوچه، میدان غیره، مکان ملاقات و برخورد را به وجود می‌آورد، در این صورت خانه ساختار دیگری پیدا خواهد کرد. اهمیت دادن بیش از اندازه به جنبه‌های فرهنگی شکل ساخته شده، به سوی حالت نسبی‌گرایی کاملی میل می‌کند؛ و به مجرد اینکه یک فرهنگ و یا شیوه زندگی معینی تغییر می‌کند، شکل‌های وابسته و متعلق به آن فرهنگ نیز معنای خود را از دست می‌دهد. اما به خوبی می‌دانیم که تعداد قابل ملاحظه‌ای از تولیدات و ارزش‌های تولید شده به وسیله یک فرهنگ مدت‌ها بعد از اینکه آن فرهنگ از بین رفته، ارزش خود را از دست نمی‌دهد و نیز می‌دانیم که اشکال مسکونی و مجتمع‌های زیستی وابسته به آن فرهنگ، بعد از محو آن هنوز قابل استفاده است، حتی اگر معنای وابسته به شکل یعنی معنایی که با شکل پیوندخورده و به آن تعلق دارد و شکل را با آن



تصویر ۳. پلان طبقات همکف و اول ساختمانی با ساختار سنتی درون‌گرا. مأخذ: معماریان، ۱۳۷۲.

Fig3. Ground and first floor plans of a building with the traditional Introspectual structure. Source: Memarian, 2003.

هماهنگی با طبیعت حل کنند. انسان بدوی غالباً عاقلانه‌تر از شیوه‌ای که ما ساختمان می‌سازیم، ساخته است و اصول معماری را که ما برخلاف منافع خویش نادیده می‌گیریم مراعات کرده است. اشاره‌ای به‌جا خواهد بود که، بگوییم نباید ساخته‌های انسان بدوی را زیاد آرمانی تلقی کرد؛ زیرا این ساخته‌ها نسبت به بسیاری از معیارها و فرم‌ها مانند ابعاد، کیفیت، مطلوبیت، امنیت و دوام یا عمر بنا، نامناسب است.

روش‌های سرمایه‌ش و گرمایش طبیعی ساختمان‌ها از دیرباز در منطقه مورد مطالعاتی رایج بوده است. معماران و مهندسان ایرانی از قرن‌ها پیش با استفاده از جریان باد، اختلاف دمای هوا در شب و روز و در طول سال توانستند شاهکارهایی خلق کنند که در شرایط جوی حاکم بر منطقه با کمترین مصرف انرژی در ساختمان‌ها برای خود آسایش گرمایی نیز به وجود آوردند. این شاهکارها شامل طراحی بادگیر، دودکش، فضاهایی مخصوص تابستان با سقف‌های گنبدی یا مرتفع، حیاط‌ها، سرداب‌ها، زیرزمین‌ها، آب انبارهای زیرزمینی و یخچال‌های طبیعی بوده است.

جریان طبیعی هوا گذشته از وزیدن آن توسط باد در اثر پدیده دودکش نیز صورت می‌گیرد. این پدیده به دلیل تفاوت دما در داخل ساختمان به وسیله نیروی شناوری انجام می‌شود و در نتیجه جریان طبیعی، اغلب در داخل خانه‌ها، ساختمان‌های چند طبقه، به ویژه ساختمان‌هایی که ارتفاع بلند دارد قابل ملاحظه‌تر است. وجود فضاهایی با ارتفاع بیشتر که مخصوص فصول گرم سال در خانه‌های سنتی منطقه بوده است از نمونه‌های بارز کاربرد پدیده دودکش در تهویه طبیعی و جریان هوا به داخل یا خارج فضاهای مسکونی است.

بعضی از پدیدآورندگان این شاهکارها شاید نمی‌توانستند حتی نام خود را بنویسند؛ ولی تمام آنها از اصول ترمودینامیک، آیرودینامیک، انتقال گرما، مقاومت مصالح، و شرایط آسایش گرمایی انسان آگاه بودند و از این اصول در طراحی‌های خود بسیار شایسته استفاده می‌کردند. بجاست که اولاً با کار این سیستم‌ها و سازه‌ها براساس علم و دانش امروزی آشنا شویم و آنها را بهتر درک کنیم و ثانیاً از اصول به‌کار گرفته شده در آنها استفاده کنیم تا انرژی مورد نیاز برای سرمایه‌ش و تأمین آسایش گرمایی ساختمان‌ها را در تابستان و زمستان کاهش دهیم [بهادری‌نژاد و یعقوبی، ۱۳۸۵: ۳].

طراحی ساختمان، اولین «خط دفاعی» در مقابل عوامل اقلیمی خارج بنا است. طراحی اقلیمی، روشی است برای کاهش همه‌جانبه هزینه انرژی یک ساختمان. در تمام آب و هواها، ساختمان‌هایی که برطبق اصول طراحی اقلیمی ساخته شده‌اند، ضرورت گرمایش و سرمایه‌ش مکانیکی را به حداقل کاهش می‌دهند و در عوض از انرژی طبیعی موجود در اطراف ساختمان استفاده می‌کنند [واتسون و لیز، ۱۹۳۷: ۴]؛ (جدول ۱).

جهت تابش خورشید و جهت باد در شکل‌گیری کوچه‌ها و طراحی خانه‌ها در بافت تاریخی تبریز و باکو نقش مؤثری ایفا کرده است. شکل‌گیری بافت تاریخی این شهرها ضمن تبعیت از عامل فرهنگ، متأثر از عوامل اقلیمی و امنیتی حاکم بر منطقه نیز بوده است. کوچه‌های تنگ ضمن تأمین امنیت سبب ایجاد سایه و جریان طبیعی هوا در داخل این محلات

استفاده پهنه از امکانات به دست آمده کرده‌اند. خانه‌های قدیمی با تکیه بر روش مردم‌شناسی، ارتباط تنگاتنگ و متقابل میان شیوه زندگی و چگونگی سازمان‌یابی فضا در این خانه‌ها را آشکار می‌سازد. اصلی‌ترین ویژگی فضایی حاصل از این رابطه متقابل که در سازمان‌یابی فضای خانه‌های تاریخی منعکس شده، وجود انواع فضاهای بینابینی در این خانه‌هاست که به طور هم‌زمان، با ایفای نقش مجزاکننده و متصل‌کننده فضاها به یکدیگر، مجموعه‌ای از فضاهای کاملاً خصوصی تا عمومی را درون سازمان فضایی خانه ایجاد و از تداخل فعالیت‌ها در یکدیگر در این خانه‌ها جلوگیری کرده است.

از گوناگونی فضاها، بر حسب عامل فرهنگ که در ایجاد تمایز و تشخیص فضایی نقش بسزایی دارد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: الف. تنوع مقیاس فضاها شامل فضاهای بسیار کوچک، فضاهای بسیار بزرگ و فضاهای میانی و متوسط در گروه فضاهای باز، بسته و پوشیده. ب. تنوع بدنه‌ها به عنوان تعریف‌کننده فضاهای باز، تعریف‌کننده فضاهای بسته از فضاهای بسته دیگر، تعریف‌کننده فضاهای بسته از فضاهای پوشیده و تعریف‌کننده فضاهای پوشیده.

ج. تنوع نور شامل فضاهای کاملاً تاریک، فضاهایی که به تدریج روشن می‌شوند، فضاهای روشن و فضاهای کاملاً نورانی.

د. تنوع جلوه‌های معمارانه تأمین نور از یک سو روزن، در، ارسی، چراغگاه و سقف و از سوی دیگر، نور مستقیم از حیاط و انواع نورهای غیرمستقیم از انواع سرپوشیده‌ها و بام.

راه‌حل‌های معین یا تطبیقی تنها به دلیل امکان‌پذیری پدید نمی‌آید؛ چرا که محیط فیزیکی امکاناتی را عرضه می‌دارد که انتخاب از میان آن امکانات در رابطه با آداب و رسوم و روش‌های سنتی آن فرهنگ صورت می‌گیرد. حتی هنگامی که در برابر امکانات فیزیکی متعدد قرار داریم، انتخاب‌های واقعی می‌تواند شدیداً به وسیله چارچوب فرهنگی محدود شود؛ این محدودیت می‌تواند بارزترین وجه یا شکل مسکن‌ها و مجتمع‌ها در یک فرهنگ معین باشد.

در نهایت می‌توان گفت که عوامل تعیین‌کننده شکل خانه، به عوامل تعیین‌کننده پایدار و عوامل متغیر تقسیم می‌شود و تمام مسایل از قبیل: ثبات، پایداری یا دگرگونی و تغییر برای تعدادی از متغیرها می‌تواند در این عبارات به شکل ساخته‌شده یا مصنوع، نسبت داده شده و با آنها رابطه داشته باشد.

تأثیر اقلیم در شکل‌پذیری خانه‌های تاریخی تبریز و باکو

انسان در طول زندگی خود همیشه نیاز به سرپناه و یا مسکن داشته است. از ویژگی‌های نیاز انسان به مسکن می‌توان به نیاز او جهت ایجاد اقلیمی بسیار کوچک علی‌رغم شرایط اقلیمی ناسازگار محیط شامل: باد، باران، برف، تابش شدید خورشید و دماهای بسیار بالا و یا دماهای بسیار پایین و هوای محیط برای تأمین آسایش گرمایی اشاره کرد. از دیرباز وجود مکان مناسب از دو نظر راحتی و آسایش و همچنین زیبایی مورد توجه انسان بوده است.

استادکاران آموخته‌اند که مشکلات و مسایل خود را با همکاری و

جدول ۱. خلاصه اصول و روش های طراحی اقلیمی. مأخذ: واتسون و لیز، ۱۹۳۷.

		تبخیر	تابش	جابجایی	هدایت
روشهای کنترل	زمستان		استفاده از حرارت خورشید	کاهش جریان هوای خارج	افزایش کسب حرارت
				کاهش نفوذ هوا	کاهش جریان هدایتی حرارت
	تابستان	کاهش جذب حرارت از خورشید	کاهش نفوذ هوا	کاهش جریان هدایتی حرارت	جلوگیری از کسب حرارت
		استفاده از برودت تبخیری	استفاده از برودت تابشی	استفاده از تهویه هوا	استفاده از برودت زمین
					افزایش اتلاف حرارت

حیاط به عنوان اصلی ترین فضای باز، همزیستی با طبیعت را نمایندگی می کند. حیاط در خانه های تاریخی، میکرو اقلیم و بهشت کوچک خانه است. در خانه های تاریخی- بومی حیاط در مرکزیت بنا قرار دارد و همانند قلب خانه عمل می کند. فضاهای مختلف خانه ها اعم از: اتاق، ایوان و راهرو، مهتابی و شناسیل، صفا و سکو با آرایشی تعریف شده در اطراف حیاط مستقر شده و تمامی فضاها به شیوه های غیرمستقیم یا تدریجی با حیاط مرتبط است. در نمونه هایی با مساحت بزرگ تر مشاهده شد که فضاها به صورت لایه افقی بر گرد حیاط قرار گرفته است.

در حیاط، حضور آب، سبزی، آسمان، آفتاب، باد، شب و مهتاب و رابطه معمارانه با آنها کاملاً محسوس است. حیاط از نظر احساس فضایی همانند یک اتاق عمل می کنند. چهار جبهه حیاط، حتی آن قسمت ها که فقط دیوار است مشخص و تعریف شده است. مجموعه فعالیت های زندگی درون اتاق ها را می توان به حیاط منتقل کرد. در هر سمت حیاط، ترکیب لایه های افقی و عمودی فضا، همچون شبکه ای درهم تنیده، انواع فضاهای مختلف الارتفاع را برای فعالیت های خصوصی و عمومی مرتبط با شیوه زندگی فراهم می آورد [حائری مازندرانی، ۱۳۸۸: ۸۷]؛ (تصاویر ۴ و ۵).

بسیاری اختلافات زیاد سطح با تأثیرپذیری از اقلیم در این خانه ها شامل سطوح زیرزمین، حیاط، پایین خانه، بالا خانه و بام و اختلاف ارتفاع زیاد شامل سقف های حوض خانه، شاه نشین، سه دری، پستو و ایوان است.

و خانه ها شده است. جریان طبیعی هوا به تبعیت از وزش باد در اثر اختلاف دمای به وجود آمده بین کوچه و فضای خانه (حیاط داخلی) و با عبور از دهلیز و هشتی به محیط داخل راه می یافت که بدین وسیله بخشی از تهویه طبیعی هوا از این طریق صورت می گرفت. از انواع عوامل تأثیرگذار اقلیمی که طراحی خانه ها متأثر از آن بوده می توان به مواردی مانند انرژی خورشیدی جذب شده در دیوارها، انرژی خورشیدی نفوذ یافته از طریق پنجره ها، اختلاف دمای داخلی و خارجی، سرعت جریان هوا در فضاهای باز، بسته و پوشیده و فشار بخار هوای داخلی اشاره کرد.

شکل ساختمان نیز می تواند تأثیر زیادی در هماهنگ ساختن ساختمان با شرایط اقلیمی، همچنین متعادل ساختن انتقال شرایط بحرانی هوای خارج به داخل ساختمان داشته باشد. برای پی بردن به نقش شرایط حرارتی هر منطقه در شکل گیری ساختمان های همان منطقه باید نسبت اهمیت هریک از عوامل دمای هوا و شدت تابش آفتاب را مشخص کرد. به طور کلی نتیجه می گیریم که سردی هوا باعث فشردگی فرم ساختمان و شدت زیاد تابش آفتاب باعث کشیدگی آن در جهت محور شرقی- غربی می شود. باید به این نکته هم توجه کرد که بهترین فرم ساختمان، فرمی است که کمترین مقدار حرارت (کالری) را در زمستان از دست بدهد و در تابستان نیز، کمترین مقدار حرارت را از آفتاب و محیط اطراف دریافت کند. بنابراین، پلان مربع بهترین فرم ساختمان محسوب می شود؛ زیرا با وجود بیشترین حجم، کمترین سطح خارجی را دارد [کسمائی، ۱۳۸۷: ۱۱۶].



تصویر ۵. خانه «خان سارایی» در جمهوری آذربایجان، که یکی از نمونه‌های خوب دوره قاجاریه بوده و همسو با فرهنگ و اقلیم منطقه شکل گرفته است. عکس: نگارنده.

Fig5. "Khan Saray" house in Azerbaijan republics, one of the good examples of Qajar period has shaped in compatible with culture and climate of area. Photo by author



تصویر ۴. خانه «قدکی» در محله مقصودیه تبریز یکی از بهترین نمونه‌های معماری ایران جهت سکونت در اقلیم منطقه آذربایجان در دوره قاجاریه. مأخذ: عطازاده، ۱۳۸۳.

Fig4. Ghadaki House in the Maghsoudiyeh neighborhood of Tabriz, one of the best examples of architecture of Iran in Gajar period for dwelling in climate of Azerbaijan area. Source: Atazadeh, 2004.

۱۹/68

در قرن‌های هجدهم و نوزدهم میلادی، به دلیل توسعه اقتصادی و روابط خارجی به عمل آمده و همگام با پیشرفت صنایع، به گوناگونی سبک و روش‌های معماری در ساختمان‌های مسکونی اهمیت داده شد. در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی، نشانه‌ها و نمودهای هنری دوران سرمایه‌داری در این شهرها نمایان می‌شد و در این راستا روش‌های غربی و ملی خود را در اجزای ساختمان‌های مسکونی نمایان می‌ساختند که نمونه بارزی از آن: تاق پوش‌ها، تاق نماها، ورودی‌ها، گنبدها، شبکه‌بندی، ویتراژ کاری‌های گوناگون و غیره است [فاتوللاев، 1963 : 142].

جلوه‌های روند این توسعه مثبت در جمهوری آذربایجان، فقط تا سال ۱۹۲۰ میلادی پایدار ماند؛ برای اینکه پس از این دوران با تشکیل اتحاد جماهیر شوروی و در نتیجه توسعه تک قطبی صنایع در شهرهای بزرگ شوروی روند این جریان پیشرفته دگرگون و بر اثر دخالت‌های اجباری تغییرات منفی در طراحی محل استقرار ساختمان‌های مسکونی و ساختار طراحی خارجی و داخلی آنها ایجاد شد؛ به این ترتیب که براساس قوانین سخت رژیم سوسیالیستی در محیط شهری، ساختمان‌های مسکونی و شهرک‌های مسکونی مشابه هم توسعه و گسترش پیدا کرد و با بی‌توجهی به تاریخ ارزشمند معماری و سیاست انطباق معماری آذربایجان با ایدئولوژی سوسیالیستی، به ساخت ساختمان‌های هم‌شکل اولویت داده شد. در اوایل قرن بیستم، تغییر فرم‌گیری به شیوه انقلابی، یک‌سری مشکلات همگام با خود در شهرهای تاریخی (به ویژه در باکو) را به میان آورد. برای مثال، احداث بیش از حد ساختمان‌های مسکونی هم‌شکل و تضاد طراحی این ساختمان‌های مسکونی جدید با نحوه زندگی مردم و نیز تک‌فرمی بودن این ساختمان‌ها، به صورت بارز عدم‌همگونی با محیط شهر و خواسته‌های رفاهی و اجتماعی را نشان می‌داد. چنین وضعیتی فقط در باکو دیده نمی‌شد؛ بلکه در سیمای معماری شهرهای بزرگ شوروی سابق نیز جلوه‌گر می‌شد (تصاویر ۶ و ۷).

در خانه‌های تاریخی - بومی جزءفضاها^۲ به گونه‌ای طراحی شده است که در بیشترین ایام سال، بدون استفاده از تجهیزات اضافی حرارتی و برودتی و برای بیشترین تعداد عملکرد در حد فاصل قلمرو عمومی تا خصوصی مانند: نشیمن، خواب، دید و بازدید و صرف غذا مناسب بودند. اتاق‌ها در این خانه‌ها برحسب طراحی اقلیمی به صورتی شکل گرفته بود که شامل اتاق‌هایی فی‌نفسه خنک، یا اتاق‌هایی گرم و یا اتاق‌هایی کوران‌دار می‌شد.

وزش بادهای محلی سبب شده است تا ساکنین منطقه برای تهویه، مناطق مسکونی، به‌طور مؤثر از این عامل بهره‌مند شود. این امر سبب شده است تا ساکنین این شهرها و روستاها طی قرن‌ها از ساختارهای خاصی برای بهره‌گیری از بادهای مطلوب و پرهیز از بادهای مضر استفاده کنند.

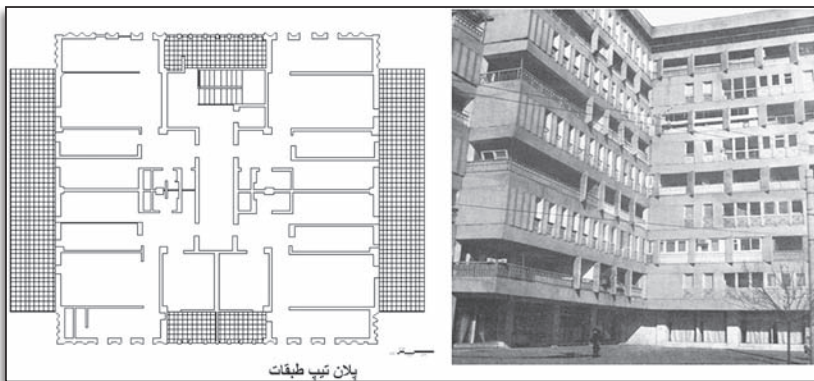
در خانه‌های معاصر با وجود اینکه از سویی از اثرات مطلوب باد بهره‌گیری می‌شود، از سوی دیگر این امکان وجود دارد که در صورت عبور باد از نواحی آلوده شهری و سپس نفوذ آلودگی به داخل - که آن هم بستگی به چگونگی جریان هوا در اطراف ساختمان دارد - اثرات نامطلوبی در آسایش و سلامتی ساکنین ساختمان‌ها بر جای بگذارد. امروزه لازم است که این اثر با توجه به گسترش شهری و افزایش آلودگی‌های شهری مورد توجه مسئولین بهداشت محیط زیست و مدیران شهری قرار گیرد.

تشریح خصوصیات فرم‌پذیری و ویژگی‌های الگوی فضایی در خانه‌های شهرهای تاریخی تبریز و باکو

خانه‌های تاریخی شهرهای مسلمان نشین از جمله تبریز و باکو به‌طور معمول به دو ناحیه مشخص تقسیم می‌شد: ناحیه پذیرش یا پذیرایی برای مردمان و بخش زندگی خصوصی برای زنان و فرزندان. در برخی از مناطق، هریک از قسمت‌های عمومی و خصوصی، یک حیاط مختص به خود داشته؛ اما در برخی نیز تنها یک حیاط، فضای باز خانه را شکل می‌دهد.

تصویر ۶ نمونه‌ای از طراحی مثبت معماری آپارتمان مسکونی همسو با ویژگی فرهنگی و اقلیمی در خیابان تیمور علی زاده باکو. (معمار: علی بیگ نوروزی). مأخذ: افندی‌زاده، ۱۹۸۶.

Fig6. An example of good architectural design of residential flats incompatible with cultural and climatic characteristics in Teymur Alizadeh Street, Baku. (Architect: Ali BeyNorouzi). (Source: EfendiZadeh, 1986).



تصویر ۷. شکل‌گیری مجتمع‌های مسکونی هم شکل در باکو. تهیه نقشه و عکس: نگارنده.

Fig7. Formation of residential complexes with the same form in Baku. Photo and Drawing by author.

خاستگاه معماری مدرن ایران، انتقال فرهنگ فریبنده غرب به جامعه درون‌گرای ایرانی بود، اگرچه معماری معاصر ایران در شکل فردی و خلاقیت‌های هنری بسیار ستودنی بوده است؛ ولی هرگز نتوانست از شکل فردی به شکل جمعی تبدیل شود [عطازاده، ۱۳۸۳: ۴].

بررسی طبقه‌بندی نوع خانه‌ها - که سیمای سنتی شهرهای تاریخی تبریز و باکو را به‌وجود آورده - خصوصیت‌های معماری آنها را آشکار می‌سازد. در بررسی‌های انجام شده در منطقه تحقیقاتی، برای شناسایی خانه‌های معاصر از دهه ۴۰ شمسی به بعد، روندی مشابه در تقلیل نقش فضا به چشم می‌خورد. روند حذف فضا و عدم توجه به سازمان‌یابی خلاق فضا در واحدهای مسکونی معاصر در ایران و از اوایل قرن ۱۹ میلادی در جمهوری آذربایجان - که با تشکیل حکومت شوروی این روند در آنجا حادث تر و وسیع‌تر بوده - بر مفهوم و مصداق خانه و سکونت تأثیر گذاشته است. این تغییرات، هم در سازمان فضایی خانه و هم در شیوه زندگی خانواده به گونه‌ای به وقوع پیوسته است که شاید خانه‌های امروزی را در مقایسه با خانه‌های نیم‌قرن پیش در تبریز و باکو، نتوان خانه تبریزی و یا باکوئی نامید.

تحلیل رفتاری و مقایسه‌ای روابط فضایی خانه‌های تاریخی و خانه‌های معاصر شهرهای تبریز و باکو به تأثیر از حریم‌های فرهنگی و چارچوب‌های طراحی اقلیمی

تمامی خانه‌های ساخته‌شده تا سال ۱۳۰۰ در شهرهای تبریز و باکو، چه کوچک و چه بزرگ، حیاط یا حیاط مرکزی داشته‌اند و چیدمان جزء-فضاهای پیرامون حیاط از نظام فضایی مشخص پیروی می‌کرده است (تصویر ۸). قدیمی‌ترین، معتبرترین و ماندگارترین الگوی رایج سازمان‌یابی فضا در این خانه‌ها، الگوی «اتاق + ایوان + حیاط» است [حائری مازندرانی، ۱۳۸۸: ۱۳۷]. در این الگو، از نقطه نظرهای آسیایی، اقلیمی، اشراف و

بعد از سال‌های ۱۹۹۰ میلادی که آذربایجان استقلال خود را به دست آورد، با توسعه اقتصادی تدابیر عجولانه و غیرآکادمیکی گسترده‌ای در بافت مناطق مسکونی صورت گرفت و طراحی‌هایی با روش‌ها و اسلوب‌های مختلفی که هویت معماری نامشخصی داشتند، خود را نمایان کرد. لازم به ذکر است که عدم وجود پلانی جامع در توسعه شهری را می‌توان نتیجه حاصل شده از این بحران به حساب آورد. از طرف دیگر، ایران نیز در دوره قاجاریه با ثابت ماندن سیمای شهر - که قریب هزار سال دوام آورده بود - دیگر نمی‌توانست در مقابل هجوم عناصر نوین شهری مقاومت کند؛ زیرا مظاهر جدید شهرنشینی همانند طوفانی از غرب می‌وزید و برای تحقق نیازهای جدید اجتماعی، شهرها چهره خود را تغییر می‌دادند. سرعت بنای شهر تبریز در این دوره به‌شکلی بود که در مدت زمان بسیار کوتاه آخرین باروی خود را در می‌نوردد و خانه‌ها بر شیوه بافت پیشین، اما با تلقی تازه‌ای از مسکن بنا می‌شود. بازار، کم و بیش در همان مکان قبلی خود، هسته‌های اولیه‌اش را باز می‌یابد و با شدت یافتن اعتبار سیاسی شهر - که قوام اقتصادی آن را به دنبال دارد - وسعت می‌گیرد؛ لذا آنچه اکنون به‌عنوان میراث گذشته شهر در دست است به لحاظ شیوه بافت، حرکت‌های مهم تاریخی و قطب‌های با ارزش آن، محصول دوره غازانی بوده و به لحاظ معماری مسکن محصول دوره قاجار است. بعد از سال‌های ۱۳۲۰ شمسی به دلیل برخورداری طبقه متوسط از امکانات مالی، انواع و اقسام ساختمان‌ها از مجتمع‌های مسکونی گرفته تا خانه‌های ویلایی را می‌بینیم که هر کدام از یک نوع معماری تبعیت می‌کند که در نتیجه استفاده بی‌نظم از معماری، نوعی معماری بی‌هویت را رواج داده‌اند که اگرچه خود این اجزاء بی‌هویت نیست؛ ولی در مجموع هیچ‌گونه نظامی ندارد و به مقطعی از تاریخ معماری دنیا تعلق دارند. شهر به پهنه‌های کاملاً ناهمگونی از تکه‌های کنار هم پیچیده شده تبدیل می‌شود که هر تکه سبک متفاوتی دارد.

بسط فضاهای بسته به یکدیگر، بسط فضای بسته به باز و پوشیده در نظام طراحی سازمان فضایی خانه‌های تاریخی وجود دارد.

د. پویایی فضایی- فعالیتی عبور کردن - وارد شدن در خانه‌های تاریخی: ۱. فضای اختصاصی برای ورود به خانه طراحی، مفهوم حریم خصوصی و عمومی در این فضا منعکس و مسیرهای متفاوت برای ورود به هریک از این قلمروها از درون این فضا فراهم شده است، ۲. چگونگی حضور نور و هوا نیز در درون این مجموعه فضاها با یکدیگر و نسبت به بیرون متفاوت است.

ه. پویایی فضایی- فعالیتی زندگی با طبیعت در خانه‌های تاریخی: ۱. در خانه تاریخی، خانه از طبیعت جدا نیست و حضور نمایندگانی از طبیعت در درون سازمان فضایی خانه معیاری الزامی است، ۲. سازمان فضایی خانه، از جهات وزش باد و تابش خورشید، نظم فصول، آب و غیره برای ایجاد آسایش بهره می‌گیرد و با ارایه تعریفی از عناصر معماری، آنها را در درون خود ادغام می‌کند.

و. پویایی فضایی- فعالیتی از خلوت تا معاشرت در خانه‌های تاریخی: ۱. تنوع مقیاسی انواع جزءفضاهای مکث (دودی، سه‌دردی، پنج‌دردی و ...) و همچنین جایگاه آنها در سازمان فضایی از پایین خانه تا بالا خانه و از جلوسرا تا عقب‌سرا امکان دستیابی به فضاهایی در قلمروهای گوناگون خصوصی تا عمومی را فراهم می‌آورد، ۲. فضاهای پوشیده در حد فاصل فضاهای باز و بسته، راهروها و درها به عنوان حریم‌های فضایی در خانه‌های تاریخی عمل می‌کنند.

روش سکونت در قدیم و ویژگی‌های اسکان در شهرهای ایران و جمهوری آذربایجان هر دو فضای خصوصی و بسته را شامل می‌شده است؛ اما در عصر معاصر سکونتگاه به فضای داخلی اطلاق می‌شود. تشکّل فضایی یک واحد آپارتمانی (مسکن معاصر) عبارت است از یک بخش بسته و یک بخش باز که فضای باز حیاط در مقابل بخش بسته قرار می‌گیرد. بخش بسته، حاصل روی هم گذاشتن چند مکعب است و امکان بسط فضایی و ایجاد تنوع ارتفاعی را در جزءفضاهای هر واحد

انواع قلمروهای عمومی و خصوصی، سه گونه کیفیت فضایی متفاوت وجود دارد که به صورت کامل و بسط‌دهنده یکدیگر طراحی شده است. هر سه نوع فضا (باز، بسته، پوشیده)، قابل استفاده و زندگی است و می‌تواند هم به صورت مجزا و هم به صورت ترکیب شده، مورد استفاده قرار گیرند. طراحی این خانه‌ها، هم شیوه زندگی در گسترده‌ترین ابعاد آن و هم سازمان فضایی از کوچک‌ترین تا بزرگ‌ترین مقیاس آن را شامل می‌شده است. رفتار معماری با حیاط به عنوان یک الگو، از فضاهای باز در خانه‌های تاریخی، هم‌تراز با همان رفتاری بوده که برای طراحی فضاهای بسته (اتاق‌ها) صورت می‌گرفته است. در این صورت، حیاط از نقطه نظر سازمان فضایی خانه‌های تاریخی، یک اتاق بدون سقف است. در درون خانه‌های تاریخی، جزءفضاها نسبت به مقوله‌های زیر حساس بوده و عکس‌العمل فضایی نشان می‌داند:

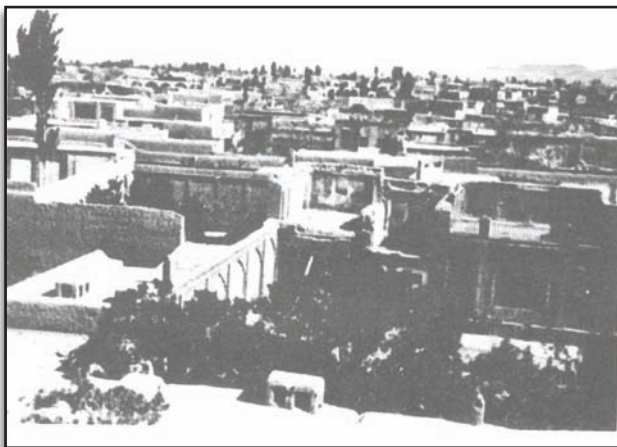
ارتفاع؛ محصور بودن چه به لحاظ بدنه‌های پیرامونی و چه به لحاظ درجه‌های متنوع؛ محصور بودن سقف؛ استفاده از نور طبیعی جهت ایجاد تنوع فضایی در اثر مجموعه ترکیب‌های ایجاد شده از تنوع ارتفاع، تنوع پوشیدگی و تنوع نور؛ چشم‌انداز؛ فراهم آمدن امکان ترکیب جزءفضاها و نسبت به آینده به‌ویژه مرتبط به شیوه زندگی خانواده که با گذشت زمان ابعادی گسترده‌تر و متنوع‌تر به خود می‌گیرد. سازمان فضایی خانه‌های تاریخی در برابر نیازمندی‌ها و دگرگونی‌های شیوه زندگی بسیار انعطاف‌پذیر است. هر فضایی در این خانه‌ها مسدود نبوده و در عین مستقل بودن، امکان ترکیب با پیرامون خود را دارد [همان، ۱۳۸۸: ۹۵-۹۱].

حال جهت مشخص کردن شرایط سکونت متأثر از فرهنگ و اقلیم در خانه‌های تاریخی، به تحلیل چگونگی استقرار آنها در محیط پیرامون خود و ارتباط جزءفضاها در این خانه‌ها می‌پردازیم. از مشخصه‌هایی اصلی که خانه‌های تاریخی این دوره (۱۳۰۰ شمسی به بعد) را با مسکن معاصر متمایز ساخته است، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف. ادراک فضایی^۴ از شبکه فضایی کلان^۵ در خانه‌های تاریخی: ۱. معیارهای شکل‌دهنده سازمان فضایی خانه تاریخی براساس دستاوردهای گذشته ادراک فضایی، شبکه فضایی سرزمینی و آگاهی اجتماعی زمانی تعیین می‌شود، ۲. ادراک فضایی بر طراحی جزئی‌ترین عناصر خانه تأثیرگذار است.

ب. شیوه‌های توانمندسازی فضا در خانه‌های تاریخی: ۱. سازمان فضایی خانه‌های تاریخی با توجه به استفاده از فضاهای باز، پوشیده و بسته و حرکت سیال هوا در داخل تمامی جزءفضاها و ایجاد سایه و استقرار حوض برای تبخیر سطحی و رعایت معیارهای صرفه‌جویی انرژی، خود پاسخگویی به تأمین آسایش را برعهده گرفته است، ۲. عوامل آسایش‌زا مانند: بادگیر، زیرزمین، سایه‌انداز، حوض، باغچه به شیوه‌ای یکپارچه درون سازمان فضایی ادغام شده و جلوه‌های معمارانه‌ای یافته است.

ج. گونه‌های فضایی بسته در خانه‌های تاریخی: ۱. فضاهای بسته دارای مقیاس‌های تعریف شده از کوچک تا بزرگ است که همخوان با نیازهای شیوه زندگی است (دو در، سه در، پنج در)، ۲. امکان



تصویر ۸. وجود حیاط داخلی در خانه‌های تبریز به سال‌های ۱۳۰۰ شمسی که عوامل آسایش و اقلیمی خانه را برای ساکنین مهیا می‌ساخت. مأخذ: پورحسین خونیک، ۱۳۸۴.

دستیابی به ویژگی‌هایی منطبق بر فرهنگ و اقلیم در طراحی خانه‌های معاصر، مستلزم اتخاذ شیوه طراحی همگراست؛ یعنی گروهی طراحی کردن جزء فضاها و نه طراحی مجزای آنها. اینکه کدام جزء فضا، چگونه و تا چه اندازه قابلیت بسط داشته باشد، نیازمند تنظیم سازمان فضایی خانه، مشخص کردن جایگاه قلمروهای گوناگون از خصوصی و عمومی در آن و همچنین طراحی گروهی ریزفضاها در سازمان فضایی خانه است. نظام طراحی موجود که محصول ایجاد جزءفضاهای مجزا و واگرا است، به سختی می‌تواند هم‌زمانی و هم‌مکانی تحقق فعالیت‌های گوناگون را در خود تسهیل و ترغیب کند. به منظور طراحی همگرای جزءفضاها، معمار باید مجموعه جزءفضاهایی را که می‌تواند فعالیت‌های مشترک را در خود جای دهد، مدنظر قرار داده و این گروه فضاها را با یکدیگر به عنوان یک واحد فضایی همگرا برگزیند [حائری مازندرانی، ۱۳۸۸: ۱۹۳-۱۷۶].

نتیجه‌گیری

در جوامعی که به دلیل قدمتشان، با دیرینگی زندگی اجتماعی و شهرنشینی روبرو است، فرهنگ اجتماعی تثبیت شده‌ای در آنجا می‌توان مشاهده کرد. معماری محل سکونت انسان‌ها بیش از هر چیزی به نحوه زندگی، ادراک و برداشت آنها و نیز ویژگی‌های جغرافیایی محل سکونتشان بستگی دارد. به طور کلی، معماری، تبلور ادراک و باور انسان است که در ساخت مکان سکونت وی متجلی می‌شود.

گاه مشاهده می‌شود که بناهای امروزی به واسطه توسعه امکانات، تجهیزات و ساخت مصالح جدید، بهتر و کاربردی شده است، ولی فرآیند این طراحی، وابستگی به انرژی و مقرون به صرفه نبودن و غیرصمیمی بودن را به ارمان آورده است. توسعه تکنولوژی، انسان‌گرایی را در همه شئون زندگی تحت تأثیر قرار داده است. اختلاط بی‌رویه فرهنگ‌ها، بسیاری از سنت‌های مفید اجتماعی را از بین برده است.

معماری آینده ما و خصوصاً جمهوری آذربایجان براساس روند موجود، متأثر از معماری غرب و تکنولوژی ساخت و ساز غربی خواهد بود؛ چرا که گسست معماری با سنت‌ها و تجربه‌های پیشین، انسان‌گرایی و توجه به روحیه انسان بومی را از معماری حذف کرده است. در شرایط موجود، طبیعی است که فرهنگ منطقه مورد مطالعه نتواند در معماری‌مان تأثیر داشته باشد؛ زیرا میل آگاهانه به سمت معماری غرب روز به روز بیشتر می‌شود.

برای دستیابی به یک طراحی معماری مطلوب، منطقی و هماهنگ با فرهنگ و اقلیم، علاوه بر توجه به نوع اقلیم منطقه مورد نظر، بایستی از میان عوامل تأثیرگذار اقلیم به دو عامل زیر نیز دقت شایانی شود:

موقعیت خورشید که تابع عرض جغرافیایی است و در تعیین جزئیات ساختمان از قبیل ابعاد پنجره‌ها و سایه‌بان‌ها و جهت قرارگیری ساختمان مؤثر است، عامل دیگر جهت باد است که یکی از عمده‌ترین عوامل در تعیین جهت قرارگیری ساختمان محسوب و باعث می‌شود ساختمان‌ها دارای شرایط آسایشی بهتری باشد.

از دیدگاه‌های جدید، فقط آسایش گرمایی و مبادله گرما بین انسان و محیط نشان‌دهنده ویژگی‌های مطلوب بودن محیط نیست بلکه آسایش بایستی از همه جهات مانند سازگاری کل فضاها و جزءفضاها با نحوه زندگی ساکنین، سر و صدا، بو، هوای تازه و نور در جایگاه ویژه‌ای مد نظر قرار گیرد.

مسکونی فراهم نمی‌کند. تنها جهتی که برای فضای درون هر واحد مسکونی برای بسط باقی می‌ماند در امتداد محور افقی مکعب است که آن هم با تفکر قوطی‌گرا در درون سازمان فضایی بسیار کم‌رنگ شده است. از مشخصه‌های اصلی مسکن معاصر می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف. ادراک فضایی از شبکه فضایی کلان در مسکن معاصر: ۱. سازمان فضایی خانه‌های معاصر و طراحی مجتمع‌های مسکونی مستقل از ادراک تاریخی فضا و شبکه فضایی سرزمینی شکل می‌گیرد، ۲. شبکه خیابان‌کشی‌ها و معابر، هدایت سازمان فضایی شهر را برعهده گرفته است و سایر لایه‌های آگاهی و شکل‌دهنده سازمان فضایی شهر فراموش شده است.

ب. شیوه‌های توانمندسازی فضا در مسکن معاصر: ۱. مسئولیت و برنامه تأمین آسایش خانه خارج از دستور کار سازمان فضایی خانه‌های معاصر است، ۲. در سازمان فضایی خانه‌های معاصر پاسخی فضایی برای هم‌ساز شدن با طبیعت و دگرگونی‌های آن وجود ندارد و در مسیری واگرا، تکنولوژی جایگزین پاسخ فضایی شده است.

ج. گونه‌های فضایی بسته در مسکن معاصر: ۱. فضاهای بسته در خانه‌های معاصر دو نوع مجزا و درهم است. فضاهای مجزا تنها استفاده خصوصی داشته و فضاهای درهم قلمرو عمومی خانواده است، ۲. امکان ترکیب فضاهای بسته با یکدیگر بسیار اندک است. گرایش مسلط طراحی، افزایش فضاهای بسته در قالب اتاق‌های خواب در هر ابعادی است.

د. پویایی فضایی - فعالیتی عبور کردن - وارد شدن در مسکن معاصر:

۱. مجموعه فضاهای مشترک میان چند همسایه از ورود به مجتمع مسکونی تا در واحد مسکونی، زنجیره‌ای متوالی از فضاهای تعریف‌شده با امکان مکث و عبور نیست. اغلب، فضاهای ورودی است که اجتماع دو و سه نفره را برنمی‌تابد و کمتر از قدرت هدایت‌کنندگی برخوردار است، ۲. حریم در ورودی هر خانه شخصی در مجموعه‌های آپارتمانی از بین رفته و با فضای عبور و فضای ورودی واحد مسکونی همسایه درهم شده است و فضایی برای انتظار بر در و آماده شدن برای ورود به خانه را فراهم نمی‌کند. از داخل خانه نیز حریمی میان درون خانه و درب ورودی وجود ندارد و با باز شدن در، تمام فضاهای داخل در معرض دید قرار می‌گیرد.

ه. پویایی فضایی - فعالیتی زندگی با طبیعت در مسکن معاصر: ۱. سازمان فضایی خانه نسبت به طبیعت بی‌توجه است. از امکانات آن برای ایجاد آسایش اهل خانه بهره نمی‌برد و رابطه ساخت و ساز در خانه‌های معاصر با طبیعت به مصرف طبیعت و تضعیف آن تقلیل یافته است، ۲. حضور طبیعت در خانه‌های معاصر، محدود و حضوری حاشیه‌ای است.

و. پویایی فضایی - فعالیتی از خلوت تا معاشرت در مسکن معاصر: ۱. با در نظر گرفتن مجزای جزءفضاها و فراهم نکردن امکان ترکیب فضاها و بسط فضایی، فضاهای خانه‌های معاصر به دو بخش خصوصی (اتاق‌های خواب) و عمومی (فضاهای درهم) تقسیم شده و سازمان فضایی در مقابل انواع معاشرت‌ها انعطاف‌پذیر نیست، ۲. اتاق‌ها که نمایندگان فضاهای خلوت واحدهای مسکونی است، مجدداً به بیرون متصل می‌شوند. شلوغی فضاها، تداخل حریم‌ها و آلودگی، امکان ایجاد خلوت را از بین می‌برد. حریم‌های عبوری در درون فضاهای مکث قرار گرفته و موجب اغتشاش آنها شده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. منظور از سازمان فضایی خانه، استقرار یکپارچه عرصه و اعیان، سازه و سازگاری است.
۲. منظور از خانه‌های تاریخی قید شده در متن مقاله، خانه‌های تبریز و باکو است که تا قبل از معاهده گلستان، باکو و بخشی از قفقاز تحت حکمرانی ایران (با فرهنگ و دین یکسان) بوده و پس از قرارداد یکی از ایالت‌های روسیه شد.
۳. منظور از جزء فضاها، اتاق، ایوان و حیاط است.
۴. منظور از ادراک فضایی، بخشی از وجدان جامعه و شعور عمومی است.
۵. منظور از شبکه فضایی کلان، محورها و محدوده‌های سرزمینی، تاریخی، فرهنگی است.

فهرست منابع

- بهادری‌نژاد، مهدی؛ یعقوبی، محمود. ۱۳۸۵. *تهویه و سرمایش طبیعی در ساختمان‌های سنتی ایران*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- پورحسین خونبیا، ابراهیم. ۱۳۸۴. *تبریز به روایت تصویر*. تهران: اختر.
- حائری مازندرانی، محمدرضا. ۱۳۸۸. *خانه، فرهنگ، طبیعت*. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- راپاپورت، آموس. ۱۹۲۹. *انسان‌شناسی مسکن*. ت: خسرو افضلیان (۱۳۸۸)، تهران: حرفه هنرمند.
- واتسون، دونالد و لیز، کنت. ۱۹۳۷. *طراحی اقلیمی*. ت: وحید قبادیان. محمد فیض مهدوی. (۱۳۸۸)، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- سلطان‌زاده، حسین. ۱۳۷۶. *تبریز، خشتی استوار در معماری ایران*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- عطاءزاده، مهدی. ۱۳۸۳. *سیمای تبریز (در دوره ناصرالدین شاه قاجار)*. تهران: نشر اختر.
- کسمائی، مرتضی. ۱۳۸۷. *اقلیم و معماری*. اصفهان: نشر خاک.
- معاریان، غلامحسین. ۱۳۸۷. *معماری ایرانی*. تهران: ناشر: سروش دانش.

Reference list

۲۳/۶۴

- Alizadeh, Q. (1963). *National Architecture of Azerbaijan and positive points of tradition in it*. Baku: Azer-Nashr.
- Atazadeh, M. (2004). *Simaye Tabriz (dar dore Nasir al-Din Shah Qajar)* [The visage of Tabriz (in period of Nasir al-Din Shah Qajar)]. Tehran: Akhtar.
- Bahadorinejad, M. & Yaghoubi, M. (2006). *Tahvie va Sarmayeshe Tabiee dar Sakhtemanhaye Sonati Iran* [Ventilation and natural cooling in Iran's traditional buildings]. Tehran: Center for Academic Publication.
- Efendizadeh, R. (1989). *Architecture of Azerbaijan in Union of Soviet Socialist Republics*. Moscow: Struyizdat.
- Fathollahov Shamil. (1963). *Architecture of houses in the cities of Azerbaijan from 11st to 20th centuries AD*. Baku: Azer Nashr.
- Haeri Mazandarani, M. (1388). *Khaneh, Farhang, Tabiat* [Home, Culture, Nature]. Tehran: Center for Urban and architectural researches.
- Kasmaee, M. (2008). *Eghlim va Memari* [Climate and Architecture]. Isfahan: Publisher: Nashreh Khak.
- Memarian, Gh. (2008). *Memari Irani* [Persian Architecture]. Tehran: Soroosheh Danesh.
- Pourhossein Khuniq, I. (2005). *Tabriz be Revayate Tasvir* [Tabriz in narrative of images]. Tehran: Akhtar.
- Rapoport, A. (1929). *Anthropology of housing*. Translated from English by Afzaliyan, K. Tehran: artist's profession.
- Sultanzadeh, H. (1997). *Tabriz, Kheshti Ostovar dar Memari Iran* [Tabriz, a firm adobe in architecture of Iran]. Tehran: Office of Cultural Researches.
- Watson, D & Labs, K. (1937). *Climatic design*. Translated from English by Vahid Ghobadian, V. & Faiz Mahdavi, M. Tehran: Institute of Tehran University Press.
- Ализаде, Г. (1963). *Народное зодчество Азербайджана и его прогрессивные традиции*. Баку: Азернешр.
- Фатуллаев, Ш. (1963). *Жилые дома в застройке городов Азербайджана на рубеже XI-XX в.* Баку: Азернешр.
- Эфендизаде, Р. (1989). *Архитектура Советского Азербайджана*, Москва: Стройиздат.

Adaptability of Design of Residential Houses in Tabriz and Baku with the Native Culture and Climate

Javad Abdolhoseyni*

Abstract

The following paper has developed to investigate the effect of regional culture and climate in transformations and developments of structure of urban residential buildings in the selected study area. Dwelling customs in the past and its manners in Iran and Azerbaijan republics cities, contained both open and close private space. Today, dwelling refers only to the case of inner space. As designing residential house is influenced by various factors including culture and climate, description of new residential buildings design proportionate with culture and climate, is not possible in a glimpse and as a short introduction. For this reason, the major focus of this writing has been on impressionability of these houses from culture and climate, and on comparison of past century's under study houses.

The main purpose of surveying Tabriz and Baku residential buildings is identifying the influence of some factors such as culture, common religion, climate and the existing oppositions among them which has had a role in formatting residential buildings and construction industry of the area. By adopting these cases, particular conditions should be determined for designing the contemporary houses.

In passing through historical to contemporary house, we should see what values historical houses have lost and what other forces, except native knowledge, naturalism and energy-saving, have influenced the formation of contemporary house. And also, we should identify socio-cultural needs of historical cities inhabitants which demand necessary surveys in advanced design methods and proper scientific analysis.

By certainty of this matter that even new residential buildings aren't a perfect response to the traditional living manner of habitats and they haven't had the structure of complete dwellings, this key question is raised whether today's houses are proper for today's life. House's shapes aren't only the result of physical forces, but they are the result of a collection of socio-cultural factors in their widest form. House shape, in its turn, varies by climatic conditions, construction methods, accessible materials and technology (for creating desired environment). So socio-cultural forces and existing climatic conditions are the primary or major forces and others are the secondary or varying forces.

Changes in historical cities of Iran and Azerbaijan republics made during conversions and renovations have caused changes in form and structure of residential buildings. Thus it's essential that some lawfulness of designing methods suitable with influencing factors of culture and climate in the new residential buildings of Tabriz and Baku, be distinguished. Considering the modern technological facilities and specifications of traditional architecture, new models of planning must be suggested. It is obviously important to suggest projects in compliance with socio-cultural demands of residents and with consideration of the process of climate influence on the architecture of the houses.

Designing residential buildings proves its own acceptability and reasonability when it is formed by some criteria raised from territory's ability and society's needs and can maintain its response power even after time passing.

Keywords

Historical house, Contemporary dwelling, Culture, Climate.

.....
* .Ph.D in Architecture. Lecturer in Orumia University. Orumia, Iran.

Javad_abdolhoseyni@yahoo.com